



بزرگواران



**دانشگاه قم**

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

**عنوان:**

# **بررسی نظریه‌ی مقاصد شریعت و تأثیر آن بر اندیشه‌ها و آرای فقهی فقهای شیعه**

**استاد راهنما:**

**سرکار خانم دکتر حمیده عبداللهی**

**استاد مشاور:**

**جناب آقای دکتر سید محمد جواد وزیری فرد**

**نگارنده:**

**طاہرہ دبیری**

**بهار ۱۳۹۲**

## تقدیم به:

حجت ظاهر و عقل کامل

خلق اول و پیامبر آخر

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

## تشکر و قدردانی

الحمد لله كما هو اهله

اکنون که با یاری خداوند متعال این پایان نامه به انجام رسیده است بر خود فرض می دانم که از استادان گران قدر سرکار خانم دکتر حمیده عبداللهی (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر سید محمد جواد وزیری فرد (استاد مشاور) که در تکمیل پژوهش، اینجانب را یاری رساندند، کمال تشکر را بنمایم و از خداوند متعال توفیق روزافزون هر دو بزرگوار را در تمام حرکت های کمالی مسئلت دارم.

## چکیده:

مقاصد شریعت یا مصالح احکام عناوینی است که در فقه شیعه به علل و ملاکات احکام معروف است. این عناوین در فقه اهل سنت با عنوان مقاصد شناخته شده است. پژوهش مقاصد در میان اهل سنت بسیار گسترده است هر چند در فقه شیعه نیز کاربرد دارد تا جایی که فقهای بزرگی چون امام خمینی (ره)، صاحب جواهر و ... مقاصد را در استنباط و نظرات خود به کار گرفته و حتی در بعضی موارد با توجه به مقاصد، روایات را توجیه یا رد کرده اند. عقل و نقل نیز دو راه رساننده به مقاصد یا مصالح است. تحقیق از این موضوع ضروری است چرا که مسلمان در بسیاری از مواقع، با مسائل جدید در هر دوره ای روبرو می شود که حکم شرعی خود را نمی داند هر چند در اصول فقه شیعه هنگام فقدان نص مراجعه به اصول عملیه ممکن است و اصول فقه شیعه ساختاری منطقی و حساب شده به مکلف متحیر نشان داده است. درعین حال بسیاری از مواقع با مراجعه به این اصول چه بسا اهداف مهمتری نادیده گرفته می شود. در این مسائل توجه به مقاصد کلی شریعت برای مجتهد و مقلد ضروری است تا از باب عمل به اهم، وظیفه را درست انجام دهند. در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که احکام شرعی براساس مصالح و مفاسد موجود در متعلق یا مصالح موجود در جعل تشریح شده اند. بنابر این می توان با درک مصالح و مفاسد واقعی و نفس الامری برخی افعال\_ به ویژه افعالی که حکم شرعی معینی درباره آن وارد نشده است- به درک حکم شرعی متناسب با آن دست یافت. چرا که به اعتقاد علمای امامیه از نظر عقلی وجود مصلحت یا مفسده‌ی نفس الامری در یک فعل، مستلزم وجود حکم شرعی متناسب با آن مصلحت و مفسده است که نزد علمای امامیه به این تلازم میان حکم عقل و حکم شرع، قاعده‌ی ملازمه گفته می شود. پایان نامه حاضر به بررسی راه‌های کشف احکام از طریق کشف مصالح و ذکر نمونه هایی از توجه برخی از فقها به مقاصد نیز می پردازد.

کلمات کلیدی: مقاصد شریعت، فقه، مصالح و مفاسد، علل و ملاکات احکام

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
۱. بیان مسأله‌ی تحقیق.....	۲
۲. اهداف تحقیق.....	۳
۳. ضرورت تحقیق.....	۳
۴. سؤالات تحقیق.....	۳
۵. فرضیات تحقیق.....	۴
۶. پیشینه‌ی تحقیق.....	۴
۷. روش تحقیق.....	۶
۸. محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق.....	۶
۹. مفهوم شناسی کلمات.....	۷

### فصل اول: مبانی و کلیاتی در باب مقاصد شریعت

۱-۱. سابقه‌ی اندیشه‌ی مقاصدی در فقه شیعه و اهل سنت.....	۲۰
۲-۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد.....	۲۱
جمع بندی.....	۲۴

- ۱-۲-۱. دیدگاه اول: تبعیت مطلق احکام از مصالح و مفاسد واقعی..... ۲۵
- ۲-۲-۱. دیدگاه دوم: عدم تبعیت مطلق احکام از مصالح و مفاسد واقعی..... ۳۱
- ۳-۲-۱. دیدگاه سوم: تبعیت برخی احکام از مصالح و مفاسد واقعی و تبعیت  
برخی از مصلحت در جعل (اندیشه‌ی اعتدال)..... ۳۴

### فصل دوم: عقل و نقل؛ منابع کشف مقاصد یا مصالح

- ۱-۲. عقل..... ۳۸
- ۱-۱-۲. حسن و قبح عقلی در افعال..... ۴۰
- ۲-۱-۲. مفهوم حسن و قبح..... ۴۲
- ۱-۲-۱-۲. دلایل عدل گرایان بر اثبات حسن و قبح عقلی..... ۴۷
- ۲-۲-۱-۲. دلایل وضع گرایان بر انکار حسن و قبح عقلی..... ۵۰
- ۳-۱-۲. مصادر ادراک عقل..... ۵۴
- جمع بندی..... ۶۱
- ۴-۱-۲. رابطه‌ی حسن و قبح با مصلحت و مفسده..... ۶۲
- ۵-۱-۲. ملازمه‌ی عقل و شرع..... ۶۳
- ۱-۵-۱-۲. دلایل اثبات قاعده‌ی ملازمه..... ۶۷
- ۲-۵-۱-۲. دلایل رد قاعده‌ی ملازمه..... ۶۸
- ۳-۵-۱-۲. پاسخ قائلان به ملازمه به دلایل مخالفان ملازمه..... ۷۲
- ۴-۵-۱-۲. دستاورد عملی قاعده‌ی ملازمه..... ۷۷
- جمع بندی..... ۷۸
- ۲-۲. نقل..... ۷۹



- ۸۰ ..... ۱-۲-۲. اهداف و مقاصد کلی شریعت در حوزه‌ی احکام غیر عبادی.
- ۸۰ ..... ۱-۱-۲-۲. اهداف شریعت در بخش روابط مالی و اقتصادی.
- ۹۲ ..... ۲-۱-۲-۲. مقاصد شریعت در باب قضا و شهادت.
- ۹۷ ..... ۳-۱-۲-۲. مقاصد شریعت در باب حدود، قصاص، دیات.

### فصل سوم: جایگاه مقاصد در فرایند استنباط احکام

- ۱۱۰ ..... ۱-۳. راه‌های کشف علت (مصالح و مفاسد) از طریق نص.
- ۱۱۰ ..... ۱-۱-۳. قیاس منصوص العلة.
- ۱۱۱ ..... نمونه‌ها.
- ۱۲۰ ..... ۲-۱-۳. قیاس اولویت.
- ۱۲۱ ..... ۳-۱-۳. دلالت ایماء و تنبیه.
- ۱۲۳ ..... ۱-۳-۱-۳. حجیت دلالت ایماء و تنبیه.
- ۱۲۴ ..... ۲-۳. روش‌های کشف علت از طریق استنباط عقلی (قیاس مستنبط العلة).
- ۱۲۷ ..... ۱-۲-۳. مسلک سبر و تقسیم، قیاس تنقیح مناط.
- ۱۳۱ ..... ۱-۱-۲-۳. حجیت تنقیح مناط.
- ۱۳۱ ..... ۲-۲-۳. قاعده‌ی تناسب حکم و موضوع.
- ۱۳۲ ..... ۱-۲-۲-۳. حجیت قاعده‌ی تناسب حکم و موضوع.
- ۱۳۳ ..... نمونه‌ها.
- ۱۳۹ ..... ۳-۲-۳. الغاء خصوصیت.
- ۱۴۰ ..... ۱-۳-۲-۳. حجیت الغاء خصوصیت.
- ۱۴۰ ..... نمونه‌ها.

۱۵۱ ..... ۴-۲-۳. طریقت و موضوعیت

۱۵۲ ..... نمونه‌ها

۱۶۰ ..... ۵-۲-۳. وحدت ملاک

۱۶۲ ..... ۶-۲-۳. استقراء

۱۶۴ ..... ۱-۶-۲-۳. حجیت استقراء

۱۶۶ ..... نتیجه‌گیری

أ ..... فهرست منابع و مآخذ

## مقدمه

مقاصد شریعت، همان انگیزه ها و مصالحی است که قانونگذار و شارع را به جعل قانون و حکم شرعی ملزم می کند. همچنین اصولی است که پایه های قوانین و مقررات شرعی، بر اساس آن بنا شده است.

با عنایت به اینکه احکام شرعی بر مصالح واقعی مبتنی است و اینکه احکام در راستای تأمین این مصالح است، بر فقیه واجب است که با توجه به این مصالح، به منابع و ادله فقهی رجوع کند و علاوه بر بهره گیری از روش های معمولی استنباط، نگاهی هم به روح احکام داشته باشد.

شناخت مقاصد شریعت، جهت گیری کلی فقه و اهداف و کارکرد آن را در اختیار شخص فقیه قرار می دهد و در پرتو آن، در بسیاری از اوقات، مجتهد می تواند به نقد و بررسی روایات بپردازد و بسیاری از تعارض ها را در عرصه قانونگذاری و اجراء آن، برطرف سازد.

همچنین فقیه می تواند با استمداد از مقاصد شارع، حجیت و عدم حجیت ادله را تشخیص دهد و دلیلی را که با مبانی و ارکان شریعت، سازگاری ندارد به کنار افکند؛ یعنی روح دین می تواند در فهم و استنباط فقیه اثر گذارد.

همچنین بهره برداری صحیح از هر دلیلی زمانی محقق می شود که با توجه به سایر ادله و مجموعه دین و اهداف عالی شریعت، صورت پذیرد زیرا اگر حکمی با ظواهر قواعد علم اصول منطبق باشد ولی در تعارض با اهداف والای دین باشد، مورد تأیید شارع نیست.

چه بسا فقیه اگر بدون توجه به اهداف والای دین به امر خطیر اجتهاد بپردازد و حکمی نا هماهنگ با مذاق شارع بدهد، موجب گرفتاری جامعه گردد و به جهت عدم توجه به این مغایرت، حرامی از حرامهای الهی حلال جلوه کند. مانند مسأله حیل یا کلاه شرعی که ناقض مقصود شارع است.

بنابراین توجه به روح شریعت و فلسفه تشریح، فقها را از فتوا دادن بر طبق حیل باز می دارد. مرحوم شیخ طوسی در این رابطه می گوید: «تنها آن حيله ای که خود مباح باشد و هدف از

آن نیز مباح باشد، رواست.» (المبسوط، جلد ۵، ص ۹۵)

به عبارت دیگر از آنجا که احکام الهی، در راستای جلب مصالح و دفع مفسد بوده است، ارتکاب محرمات شرعی، تحت عناوینی که موضوع ادله حرمت قرار نگرفته اند، موجب انجام مفسده واقعی و تفویت مصلحت واقعی می گردد که با مقصود شارع از جعل احکام، منافات دارد. خلاصه اینکه اجتهاد بر اساس اهداف شریعت، امر حائز اهمیتی است که جامعه سخت بدان نیازمند است، چرا که نظام قانونگذاری، بر مصالح فردی و اجتماعی استوار بوده و این مصالح است که پیوسته فقه را زنده و تأمین کننده نیازهای جامعه قراردادده است.

## ۱. بیان مسأله‌ی تحقیق

اینکه شرع مقاصدی دارد موضوعی تردید ناپذیر است زیرا نبود هدف و مقصود در احکام شرع مستلزم لغو بودن است.

نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارند چنانکه قرآن کریم در آیات بسیاری نه تنها برای ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را بر می شمارد بلکه گاهی برای احکام جزئی و خرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می کند.

احادیث فراوانی نیز بر این اصل تاکید دارند. نگارش و تدوین کتاب هایی چون علل الشرائع، اثبات العلل، مقاصد الشریعة و ... حاصل این تاکید و ابرام است. همچنین متونی که از گذشتگان به ما رسیده، هدفدار بودن شریعت را می فهماند.

همچنین عبارت‌های معروفی چون «تبعیت احکام از مصالح و مفسد»، «لزوم مصلحت در تشریح» و «الواجبات الشرعیة الطاف فی الواجبات العقلیة» بصورت مکرر در این متون به چشم می خورد.

عقل سلیم هم این گونه درک می کند که خداوند حکیم و غنی، در تشریح مقررات هدف داشته است و مقصد یا مقاصدی را دنبال کرده است.

عالمان اهل سنت به نظریه‌ی مقاصد اهمیت بیشتری داده اند. شاید یکی از علل این مسأله نیاز آنان به دلیل فاصله گرفتن از امامان معصوم (علیهم السلام) باشد ولی از آن جایی که نیاز عالمان شیعه تا این اندازه نبوده است، طبیعی است که کمتر بدین مسأله توجه کرده باشند و کتب

زیادی در این زمینه تألیف نکرده باشند.

نگارنده در این تحقیق، در صدد پاسخ به پرسشهای مطرح در سؤالات تحقیق است.

## ۲. اهداف تحقیق

- ۱- تبیین پویایی فقه شیعه و بیان غنای منابع آن: توضیح اینکه هدف این است که در این تحقیق با تجزیه و تحلیل مقاصد شرع بیان کنیم که لازم نیست مطابق پیشنهاد بعضی از متجددین بی توجه به نصوص و منابع احکام باشیم تا قدرت پاسخگویی به مسائل جدید را داشته باشیم بلکه منابع غنی فقه شیعه با عنایت به مقاصد، توانایی پاسخگویی به مسائل جدید هر عصری را دارند.
- ۲- بیان نمونه ها و مصادیقی از توجه بعضی از فقها به نظریه‌ی مقاصد: توضیح اینکه بعضی از فقهای شیعه در بیان فتوا به نظریه‌ی مقاصد توجه کرده اند.

## ۳. ضرورت تحقیق

ضرورت انجام موضوع این تحقیق بدان جهت است که مسلمان در بسیاری از مواقع، با مسائل جدید در هر دوره ای روبرو می شود که حکم شرعی خود را نمی داند هرچند در اصول فقه شیعه هنگام فقدان نص مراجعه به اصول عملیه ممکن است و اصول فقه شیعه ساختاری منطقی و حساب شده به مکلف متحیر نشان داده است.

درعین حال بسیاری از مواقع با مراجعه به این اصول چه بسا اهداف مهمتری نادیده گرفته می شود. در این مسائل توجه به مقاصد کلی شریعت برای مجتهد و مقلد ضروری است تا از باب عمل به اهمّ، وظیفه را درست انجام دهند.

## ۴. سؤالات تحقیق

- ۱- آیا اسلام در تشریح احکام فقهی اهداف و غایاتی را دنبال می کند؟
- ۲- مقاصد فقه چیست؟

- ۳- راه کشف و دستیابی به مقاصد فقه از نظر شیعه چیست؟
- ۴- آیا فقهای شیعه در اجتهاد خود به نظریه مقاصد توجه می کنند؟

## ۵. فرضیات تحقیق

- ۱- اسلام در تشریح احکام فقهی اهداف و غایاتی را دنبال می کند.
- ۲- مقاصد فقه به دو مقصد کلان (به عنوان مثال: اقامه قسط و عدل در جامعه) و خرد (به عنوان مثال: دورنگه داشته شدن انسان از فحشاء و منکر به وسیله نماز) تقسیم می شود.
- ۳- از نظر شیعه منابع کشف مقاصد فقه، قرآن کریم، احادیث معتبر و عقل است.
- ۴- بعضی از فقها با اینکه در استنباط احکام به نصوص مراجعه می کنند در عین حال به مقاصد نیز در پاره ای از احکام توجه کرده اند.

## ۶. پیشینه تحقیق

نظریه مقاصد در میان عالمان شیعی به گونه ای، از قرون اولیه مطرح بوده است، همچنین این نظریه در میان عالمان اهل تسنن به نحو دیگری طرح شده است.

نحوه طرح موضوع نزد شیعه به این صورت بوده است که بعضی از فقها در استنباط احکام به مقاصد توجه کرده اند. به عنوان مثال در بعضی از فتاوی ابن ادریس (سراثر، جلد ۲، ص ۲۱۲) و همچنین محقق اردبیلی (مجمع الفائدة، ج ۱، ص ۳۳۸) گرایش به مقاصد وجود دارد.

اهل تسنن نیز به دلیل فاصله گرفتن از امامان معصوم علیهم السلام و فقر سند در اجتهاد و... به این مسأله در سطح گسترده و با مبنایی مختلف نسبت به شیعه پرداخته اند و به منابعی چون مصالح مرسله، قیاس، استحسان و... روی آورده اند.

اهل تسنن در این زمینه کتب متعددی تألیف کرده اند. شیعه نیز در قرون اخیر به صورت کلی و به جهت پاسخ به این مسأله که آیا اسلام در تشریح احکام به مقاصد توجه داشته است کتبی را در این زمینه تألیف کرده است.

مسأله مقاصد نزد عالمان شیعی از اواخر قرن سوم رونق گرفته و با عنوان «کتاب العلل»

تحریر شده است، نخستین اثر به جای مانده در مورد مقاصد کتاب «علل الشرائع و الأحكام» تألیف «شیخ صدوق» (ابن بابویه) (متوفی ۳۸۱ق) است که در قرن چهارم به رشته تحریر در آمده است. او در این کتاب به نقل روایات و احادیثی پرداخته که در آن‌ها به اهداف و حکمت‌های بسیاری از احکام شرعی اشاره شده است. بسیاری از این حکمت‌ها از مصادیق جلب مصلحت و دفع مفسده است. گفتنی است کتاب‌هایی درباره‌ی علل پاره‌ای از احکام شرعی نیز در همان زمان نوشته شده از جمله کتاب علل الحج، تألیف شیخ صدوق و ... ، از آن پس دیگر آثاری در این زمینه‌ها مشهود نیست، جز اشاراتی کوتاه در مدخل کتب فقهی. به عنوان مثال شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد و فاضل مقداد در التنقیح الرائع به اجمال از این مسأله سخن گفته‌اند. به جز این‌ها به آثار دیگری که به اهداف فقه و مقاصد شریعت به صورت عام و فراگیر پرداخته باشد بر نمی‌خوریم، اما به صورت جزئی‌تر با عنوان تنقیح مناط یا ملاک حکم در کتاب‌های اصولی و فقهی اشاراتی موجز به چشم می‌خورد. وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶ق) فائده یازدهم از کتاب الفوائد الحائریة را با عنوان «تنقیح المناط و حجیة القیاس المنصوص العلة» به این امر اختصاص داده است. ملا مهدی نراقی (متوفی ۱۲۰۹) در کتاب «تجرید الأصول» بحث مختصری را به تنقیح مناط اختصاص داده است. صاحب فصول، محمد حسین بن محمد رحیم (متوفی ۱۲۶۱ق) در کتابش صفحاتی را به علیت حکم و تنقیح مناط اختصاص داده است. همچنین مهدی بن محمد علی اصفهانی (ولادت ۱۲۹۸ق) در کتاب «الارائک» مبحث کوتاهی را به تنقیح مناط اختصاص داده است. علامه شعرانی (متوفی ۱۳۹۳ق) در کتاب «المدخل إلى عذب المنهل» بحث گسترده‌ای در خروج از نص، تنقیح مناط و منصوص العلة دارد. بحث از مصلحت و مفسده نیز در دو کتاب اصولی «الذریعة» تألیف «سید مرتضی» (متوفی ۴۳۶ق) و «العدة» تألیف «شیخ طوسی» (متوفی ۴۶۰ق)، عمدتاً ضمن بحث نسخ مطرح شده است. در کتاب کلامی «تجرید الاعتقاد» تألیف «خواجه نصیرالدین طوسی» (متوفی ۶۷۲ق) نیز ضمن مبحث نسخ از مصلحت و مفسده و رابطه‌ی آن با احکام شرعی سخن به میان آمده است. در دو کتاب «القواعد و الفوائد» «شهید اول» (متوفی ۷۸۶ق) و «نضد القواعد الفقهیة» «فاضل مقداد» (متوفی ۸۲۶ق) بخش مستقلی به دسته بندی علل و اسباب احکام شرعی و مصالح و مفاسدی که این احکام متضمن جلب و دفع آن هستند، اختصاص داده شده است. همچنین در این دو کتاب به نقش مصالح و مفاسد در استنباط و تحول احکام اشاره شده که این امر نقطه‌ی عطفی در آثار فقهی و اصولی علمای شیعه در این زمینه

به شمار می رود. دوره‌های بعدی، «فاضل تونی» (متوفی ۱۰۷۱ق) در «الوافیه»، «محدث بحرانی» (متوفی ۱۱۸۶ق) در «الحدائق الناضرة»، «شیخ انصاری» (متوفی ۱۲۸۱ق) در «مطرح الانظار» و «فرائد الأصول»، «محقق قمی» (متوفی ۱۲۳۱ق) در «قوانین الأصول» و «میرزای نائینی» (متوفی ۱۳۵۵ق) در «فوائد الاصول» و «اجود التقریرات» و «میرزا حبیب الله رشتی» (متوفی؟) در «بدائع الافکار» بحث نسبتاً مبسوطی درباره ملاکات و مصالح احکام شرع و امکان فهم آن را ارائه نموده‌اند. ایشان همچنین در کتاب‌های یاد شده، بحث مهمی چون «ملازمه عقلی» را که در راستای امکان درک مصالح و مفاسد افعال از سوی عقل و ملازمه‌ی آن به حکم شرع است، مطرح نمود.

## ۷. روش تحقیق

روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده، بنیادی و کتابخانه‌ای است. سعی نگارنده در این تحقیق بر این بوده است که پس از بیان ارتباط مفاهیم با یکدیگر، ابتدا سابقه اندیشه مقاصدی در فقه شیعه و اهل سنت بررسی شود تا میزان تأثیرپذیری آرای علمای شیعه از مقاصد از صدر اسلام تا کنون مشخص شود. سپس به بیان مبانی و کلیاتی درباب مقاصد شریعت پرداخته شده و در آخر هم میزان توجه به مقاصد شریعت با ذکر نمونه‌هایی از آراء فقهاء متأثر از مسأله مقاصد مورد بررسی واقع شده است.

## ۸. محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق

مهمترین محدودیت این تحقیق، کمبود شدید منابعی بود که مستقلاً در این موضوع نگارش یافته باشد.

به همین جهت بخش عمده‌ای از وقت نگارنده در جستجوی منابعی صرف شده است که بطور پراکنده و در لابه‌لای مطالب دیگر، چند صفحه و گاهی چند سطر در این باره سخن گفته‌اند. از مشکلات دیگر این تحقیق، ماهیت کلامی داشتن بخشهایی از آن است که به دلیل عدم آشنایی کامل نگارنده با مفاهیم فلسفی- کلامی وقت زیادی صرف فهمیدن آن شده است. همچنین عدم تدریس این مباحث در هیچ یک از مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و



تقیل بودن آن به دلیل معادل بودن با دروس خارج فقه و اصول حوزه را می توان از مشکلات دیگر این تحقیق به شمار آورد.

## ۹. مفهوم شناسی کلمات

قبل از ورود به بحث لازم است معنای بعضی از کلمات کلیدی و پر کاربرد در این رساله را بیان کنیم. این کلمات عبارتند از: مصلحت و مفسده، علت، حکمت، سبب و ملاک و مناط احکام.

### مصلحت و مفسده

مصلحت و مفسده در عبارات علمای امامیه به معنای منفعت و ضرر اعم از مادی و معنوی، دنیوی و اخروی آمده است.

به عنوان نمونه شیخ محمد حسن نجفی در جواهر الکلام می نویسد: «مطابق آنچه از اخبار و سخنان اصحاب و بلکه ظاهر کتاب فهمیده می شود، تمامی معاملات و غیر آن تنها جهت مصالح مردم و منافع دنیوی و اخروی آنان تشریح شده است»<sup>۱</sup>.

از میان علمای اهل سنت نیز غزالی در رابطه با مصلحت می گوید: در اصل عبارت است از جلب نفع و دفع ضرر، سپس بیان می کند که مراد از مصلحت جلب منفعت و دفع مضرت دنیوی نیست، بلکه، محافظت از مقصود شارع یعنی حفظ دین، جان، عقل، مال، نسل (مقاصد پنجگانه) است.<sup>۲</sup>

بنابراین برخی از علمای اهل سنت نیز به ابعاد روحی و معنوی آن توجه نموده اند.

### علت

مراد از علت، نفس مصلحت یا مفسده ای است که حکم بر آن مترتب است و شارع به جهت آن مصالح و مفاصد حکم را جعل نموده است<sup>۳</sup>، مانند علیت اسکار نسبت به حرمت شرب

<sup>۱</sup> - محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ج ۲۲، ص ۳۴۴.

<sup>۲</sup> - محمد غزالی، المستصفی فی علم الاصول، چاپ اول، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۷م)، ج ۱، ص ۲۱۶.

<sup>۳</sup> - سید محمدعلی ایازی، ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، چاپ دوم، (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش)، ص ۳۴ و ۴۳.

خمر که بواسطه مفسده سکران و مصلحت حفظ عقل، شرب خمر تحریم شده است. در واقع این مصالح و مفاسد مترتب بر حکم، علت تامه‌ی صدور حکم هستند و حکم وجوداً و عدماً دائر مدار آن‌ها است.<sup>۱</sup> به دیگر سخن هرگاه مصلحت و غرضی باعث جعل حکم گردد به گونه‌ای که وجود حکم بر محور وجود آن مصلحت و نفی حکم بر محور عدم آن بچرخد، در اینجا تعبیر «علت حکم» را به کار می‌برند.

### حکمت

بر خلاف نظر بعضی از اهل تسنن که حکمت را مترادف با علت دانسته‌اند،<sup>۲</sup> تعریفی که نزد اصولیون شیعه بیشتر رواج دارد، فوائد و نتایجی است که به عنوان علت ناقصه، بر حکم مترتب است و حکم وجوداً و عدماً دائر مدار وجود و عدم آن فوائد و نتایج نیست.<sup>۳</sup> به دیگر سخن هرگاه مصلحتی باعث جعل و تشریح حکمی شود، لکن آن حکم دائر مدار تحقق آن مصلحت نباشد، به گونه‌ای که بتوان گسست حکم را از این مصلحت تصور کرد، در اینجا از تعبیر «حکمت حکم» استفاده می‌شود.

### تفاوت علت با حکمت

صاحب جواهر می‌گوید: علت چیزی است که حکم نفیاً و اثباتاً دائر مدار آن است، برخلاف حکمت.<sup>۴</sup>

همچنین در جای دیگر آمده است: حکمت چیزی است که سبب جعل حکم است ولی حکم دائر مدار آن نیست.<sup>۵</sup>

به عنوان مثال حکمت وجوب نگه داشتن عده زن این است که نسب فرزند مشتبه نگردد و احکام ارث و غیره دچار اشکال نشود با اینکه زنان یائسه‌ای که فرزند دار شدنشان نیز منتفی است، لازم است عده‌ی وفات نگه‌دارند، چرا که فرض این است که علت یعنی همه وجوه مصالح

<sup>۱</sup> - سعید رحیمیان، فقه و زمان، چاپ اول، (شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۹ش)، ص ۶۱.

<sup>۲</sup> - محمد تقی حکیم، اصول العامة للفقہ المقارن، چاپ اول، (قم: آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۳ق)، ص ۲۲۰.

<sup>۳</sup> - سعید رحیمیان، ص ۶۲.

<sup>۴</sup> - «ذلک حکمة لا علة یدور الحکم معها نفیاً و اثباتاً» محمد حسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۳۲، ص ۱۵۵.

<sup>۵</sup> - سید ابوالقاسم موسوی خویی، فقه الشیعة - کتاب الطهارة، (به تقریر: سید محمد مهدی موسوی خلخالی)، چاپ سوم، (قم: مؤسسه آفاق، ۱۴۱۸ق)، ج ۲، ص ۲۵۰؛ همان، ج ۳، ص ۱۲.

را به دست نیاورده‌ایم و با توجه به اینکه احکام به حسب مصالح نوعی و نیز به نحو احتیاطی جعل شده اند چه بسا ترک برخی از افراد موضوع، موجب ترک کل مصلحت شود.<sup>۱</sup> بنابراین مشتبه نشدن فرزند، حکمت جعل وجوب عده است نه علت آن.

با توجه به تعاریف علت و حکمت که ذکر آن گذشت، حکمت حکم هیچ گاه «موضوع حکم» نیست و «موضوع حکم» الزاماً امر دیگری است، لکن علت حکم همیشه موضوع واقعی حکم خواهد بود، هرچند ممکن است در ظاهر دلیل شرعی، موضوع غیر از علت باشد.<sup>۲</sup>

به عنوان مثال نماز با حکمت جلوگیری از فحشاء و منکر، واجب شده است؛ در اینجا وجوب «حکم» است و نماز «موضوع» و نهی از فحشاء و منکر «حکمت حکم» است؛ و با اینکه این مصلحت، حکمت حکم است، لکن وجوب نماز دائر مدار تحقق آن نیست. اما در مثال «الخمیر حرام لاسکاره»، «خمیر» در ظاهر دلیل، موضوع است و «حرام» حکم و «اسکار» علت حکم است، ولی در واقع موضوع حرمت، خاصیت اسکار و «مسکر» است و حرمت هم دائر مدار آن است، از این رو مفاد «الخمیر حرام لاسکاره» با «کل مسکر حرام» یکی است.<sup>۳</sup>

در این جا ذکر این نکته لازم است که فقیهان امامیه در زمان‌های متأخر معمولاً از علل شریعت (علل تشریح حکمی خاص) به «حکمت حکم» تعبیر کرده و «علت حکم» را از «حکمت حکم» جدا نموده اند.<sup>۴</sup> چرا که به اعتقاد آن‌ها علت حقیقی عند الشارع است. به دیگر سخن مراد از علت در این جا همان حکمت‌هاست و به تعبیر دیگر مصالح و مفاسدی است که در دستورات شارع مقدس اسلام به عنوان «جلب المنفعة و دفع المضرّة» معرفی شده است. نه اینکه مراد از علت و سبب، آن عناوین و علل و اسباب حقیقی باشد که در علوم طبیعی و فلسفی مطرح شده است.<sup>۵</sup>

## سبب

عده‌ای عقیده دارند علت و سبب مترادف یکدیگرند<sup>۶</sup> اما بیشتر اصولیین هنگام تعریف سبب

<sup>۱</sup> - سعید رحیمیان، ص ۶۳.

<sup>۲</sup> - ابوالقاسم علیدوست، فقه و مصلحت، چاپ اول، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش)، ص ۷۶.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۷۶-۷۷.

<sup>۴</sup> - همان، ص ۷۶.

<sup>۵</sup> - ناصر مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، چاپ اول، (قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق)، ص ۳۸۸.

<sup>۶</sup> - عبد الوهاب خلاف، علم اصول الفقه و خلاصه تاریخ التشریح الإسلامی، چاپ سوم، (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۶ق)، ص ۷۰.

و علت، تفاوت‌هایی بین این دو گذاشته و گفته‌اند: درست است که علت و سبب علامت برای حکم و هر کدام دایرمدار حکم است و شارع در پیوند حکم با آن‌ها حکمتی دارد؛ اما تفاوت میان علت و سبب در این است که اگر مناسبت میان حکمت و علت را عقل درک کند، آنرا علت و سبب می‌گویند، اما اگر نتوان مناسبت میان حکمت و علت را درک کرد به آن فقط سبب می‌گویند؛ مثلاً در نماز شکسته، سفر را علت و سبب شکسته شدن نماز چهار رکعتی می‌دانند؛ اما غروب شمس برای واجب شدن فریضه‌ی مغرب را سبب آن می‌دانند نه علت، بدین رو هر علتی سبب است اما هر سببی علت نیست.<sup>۱</sup> یکی دیگر از اصولیین نیز سبب را نشانه‌ی حکمی می‌داند که شارع تعیین کرده است؛ نشانه‌ای که از نص استفاده شود و دارای قاعده و قانون باشد که طبق این تعریف سبب اعم از علت است زیرا در آن میان حکم و موضوع مناسبت برقرار نشده است.<sup>۲</sup>

### ملاک و مناط احکام

ملاکات و مناطات احکام دو کلمه مترادفند که از نظر شیعه گاهی به معنای مصلحت و مفسده ای است که بر موضوع مترتب است چنانکه در احکام غیر تعبدی به خوبی مشاهده می‌شود و گاهی علت است که عنوانی اعم از مصلحت و مفسده‌ی قائم بر موضوع است و شامل مصلحت و مفسده‌ی قائم بر حکم نیز هست، چنان که در اوامر امتحانی و نواهی توبیخی وجود دارد.<sup>۳</sup>

این واژه‌ها در لسان فقها، اعم از علت و حکمت است؛<sup>۴</sup> به این معنی که ممکن است مناط و ملاک حکم از نوع علت باشد و ممکن است از نوع حکمت، ولی استعمال آن در معنای علت، از رواج بیشتری برخوردار است.

منظور از این واژگان در این تحقیق علل الشرایع یعنی فلسفه، مقصد و غایت حکم واحدی از احکام فقه است<sup>۵</sup> که موجب جعل حکم می‌شوند.

پیش‌فرض این امر آن است که هر یک از احکام شریعت را غایتی است، که می‌توان به آن دست یافت و محل آن دانش فقه است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - همانجا.

<sup>۲</sup> - محمد تقی حکیم، الأصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۳۱۰؛ «هو معنى ظاهر منضبط، جعله الشارع أمانة للحکم».

<sup>۳</sup> - سید محمد علی ایازی، ص ۴۳.

<sup>۴</sup> - «...كان مناطهما حکمة أو علة...». روح الله موسوی خمینی، کتاب البیع، (قم، مطبعة مهر، بی تا)، ج ۴، ص ۲۷۶.

<sup>۵</sup> - اسماعیل الحسنی، مقاصد شریعت از نگاه ابن عاشور، (مترجم: مهدی مهریزی)، چاپ اول، (قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۳ش)، ص ۱۶.

<sup>۶</sup> - همانجا.